

## دیدگاه فقهای متقدم عامه درباره وقت نماز مغرب و عشا

حسین کامکار

### الف) پایان وقت نماز مغرب

درباره ابتدای وقت نماز مغرب، هیچ اختلاف دیدگاهی بین فقیهان عامه وجود ندارد و اجماع وجود دارد که با «غروب شمس» وقت نماز مغرب داخل<sup>۱</sup> می‌گردد (ابن منذر، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ص ۳۳۴؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ص ۲۷۹)، اما درباره انتهای وقت نماز مغرب، دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است:

۱. نماز مغرب، «وقت واحد» دارد. مهم‌ترین قائل این دیدگاه، محمد بن ادریس شافعی (۲۰۴ق) است (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۹۲). همچنین این دیدگاه به اوزاعی و مالک نیز نسبت داده شده است (ابن منذر، ۱۴۰۵ق، همان و قیروانی، ۱۹۹۹م، ج ۱: ص ۵۳). شافعیان پیرو این دیدگاه، دو معیار برای این «وقت واحد» ذکر کرده‌اند:  
الف) مقدر به فعل: بعد از غروب شمس، به اندازه تحصیل طهارت و پوشیدن لباس و اذان و اقامه و سه رکعت نماز آرام خواندن (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۲۲). ظاهراً دیدگاه خود محمد بن ادریس همین بوده است. این دیدگاه مورد اشکال حنفیان قرار گرفته، از این جهت که پایان وقت نماز را وابسته به اشخاص و شرایط آنها می‌کند (قدوری، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ص ۳۹۲-۳۹۳). ب) مقدر به عرف: تا زمانی که عرف نگوید نماز مغرب از ابتدای وقت آن تأخیر افتاده است (ماوردی، همان)، یا به مقدار سه رکعت عرفی (قدوری، همان: ص ۳۹۳).

مسأله دیگری که بین قائلان این دیدگاه در نسل بعد مورد اختلاف قرار گرفته این است که وقت مذکور:

---

<sup>۱</sup> البته ماوردی (فقیه شافعی مذهب بغداد، متوفای ۴۵۰ق) به «شیعه» نسبت می‌دهد که اول وقت را «اشتباک نجوم» می‌داند (۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۱۹) که می‌دانیم نسبت نادرستی است.

الف) «وقت ابتداء و استدامه» است: کسی که قبل از اتمام نمازش وقت تمام شود، نماز را در خارج از وقت آن  
تتمیم می‌کند (همان)

ب) «وقت ابتداء است نه استدامه»: نماز مغرب را باید پیش از این وقت آغاز کرد، اما پایان نماز مغرب را  
می‌توان تا ابتدای وقت عشا (غروب شفق) در نظر گرفت (ماوردی این دیدگاه را به «ابوسعید» و «ابواسحاق»  
نسبت می‌دهد: همان).

۲. پایان وقت مغرب، «سقوط شفق» است. قائلین به این دیدگاه عبارتند از: ابوحنیفه و شاگردانش، سفیان ثوری، حسن بن  
حی (طحاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۱۹۴) و اسحاق بن راهویه، ابو ثور و بعض اصحاب شافعی (ابن قدامه، همان) و احمد بن  
حنبل (ابن منذر، همان: ص ۳۳۵؛ عبدالله، ۱۴۰۱ق: ص ۵۲). این قول، به مالک بن انس نیز نسبت داده شده (ابن قاسم، بی تا:  
ص ۶۰). خواهد آمد که بین این افراد درباره معنای «شفق» دیدگاه یکسانی وجود ندارد.

۳. پایان وقت مغرب، «طلوع فجر» است. این دیدگاه به عطاء و طاوس نسبت داده شده است (ابن منذر، همان: ص ۳۲۷؛  
ابن قدامه، همان: ص ۲۷۶).

## ب) معنای «شفق»

درباره این که ابتدای وقت نماز عشاء «سقوط شفق» است یک اتفاق نظر در منابع فقهی مشاهده می‌شود، و تصریح به عدم خلاف  
در این مسأله نیز شده (ابن قدامه، همان: ص ۲۷۷)، با این حال مقصود از «شفق» از دیرباز مورد اختلاف قرار داشته است. در این  
باره چند دیدگاه رایج است:

۱. «شفق» به معنای حمزه است. این قول به ابن عمر، ابن عباس، عطاء، مجاهد، سعید بن جبیر، زهری، مالک، ثوری، ابن ابی  
لیلی و شافعی و اسحاق و ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی نسبت داده شده است (شافعی، همان: ص ۹۳؛ ابن قدامه،  
همان؛ قدوری، همان: ص ۳۹۴).

۲. «شفق» به معنای بیاض است. این قول از انس و ابی هریره و عمر بن عبدالعزیز نقل شده و دیدگاه اوزاعی و ابوحنیفه و  
ابن منذر نیز همین بوده است (ابن قدامه، همان؛ قدوری، همان: ص ۳۹۴).

۳. «شفق» برای حاضر، «بیاض» است و برای مسافر، «حمره» است. این دیدگاه احمد بن حنبل است (عبدالله، همان: ص ۵۲-۵۳). البته ابن قدامه (۶۲۰ق) مسأله را به صورتی توجیه می‌کند که گویا احمد بن حنبل نیز اختلاف دیدگاهی با گروه اول ندارد (ابن قدامه، همان: ص ۲۷۸)، چرا که «ذهاب بیاض» هم صرفاً طریق کشفی است برای ذهاب حمره. با این حال روشن است که دیدگاه احمد با گروه اول، متفاوت است و برای حاضر، به نظر گروه دوم اشبه است.

## ج) پایان وقت نماز عشاء

درباره پایان وقت نماز عشاء هم دیدگاه‌ها مختلف بوده است و پایان وقت عشاء<sup>۲</sup> امور مختلفی دانسته شده است:

۱. گذشتن «ربع لیل»: ظاهراً این دیدگاه ابراهیم نخعی (۹۶ق) بوده است (ابن منذر، همان: ص ۳۴۳).
۲. گذشتن «ثلث لیل»: دیدگاه پاره‌ای از شافعیان، و قول متأخر شافعی است. این دیدگاه به عمر<sup>۳</sup>، ابوهریره، عمر بن عبدالعزیز، و اوزاعی نیز منسوب است (شافعی، همان: ص ۹۳؛ ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۲۵؛ ابن قدامه، همان: ص ۲۷۸).
۳. گذشتن «نصف لیل»: این دیدگاه شافعی در برخی آثارش از جمله «الرسالة القديمة» است. پاره‌ای از شافعیان<sup>۴</sup> نیز از این دیدگاه تبعیت کرده‌اند. ظاهراً دیدگاه همچنین ابن مسعود، مجاهد، قتاده، ابوحنیفه و اصحاب رأی، ابو ثور و ابن مبارک نیز همین بوده است (ماوردی: همان؛ ابن قدامه، همان: ص ۲۷۸).
۴. دیدگاه ترتیبی بین «ثلث لیل» و «نصف لیل»: ظاهراً دیدگاه سفیان ثوری و حسن بن حی چنین بوده است که «أول وقت العشاء إذا سقط الشفق إلى ثلث الليل والنصف بعده وذكر نحوه عن الحسن بن حي» (طحاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۱۹۴). از آن جا که این دیدگاه در دسته‌بندی‌های کلاسیک، دیدگاه مجزایی بر شمرده نشده است، برخی به سفیان ثوری نسبت داده‌اند که قائل به «ثلث لیل» بوده (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۲۵) و برخی قول به «نصف لیل» را به وی نسبت داده‌اند (ابن قدامه،

<sup>۲</sup> البته اوقات یادشده، برای «صاحبان اعدار» نیست بلکه برای «صاحبان اختیار» است. ظاهراً بر این مسأله اتفاق نظر وجود دارد که مثلاً کافری که پیش از طلوع فجر ثانی، اسلام می‌آورد، باید نماز مغرب و عشاء آن شب را تا پیش از طلوع فجر بخواند: «أَصْحَابَ الضَّرُورَاتِ وَالْأَعْدَارِ يَلْزِمُهُمْ فَرَضُهَا إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عِنْدَنَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ وَقْتًا لَهَا، لِأَنَّ وَقْتَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الضَّرُورَاتِ وَاحِدٌ» (ماوردی، ج ۲: ص ۲۲).

<sup>۳</sup> هرچند به عمر، قول به «نصف لیل» هم منسوب است. نک: به رساله وی به ابوموسی اشعری در: ابن منذر، همان: ص ۳۴۴.

<sup>۴</sup> در نسل‌های بعد، برخی از شافعیان برای این که بین دو قول شافعی جمع کرده باشند، «ثلث لیل» را پایان وقت «شروع» نماز عشاء و «نصف لیل» را پایان وقت «پایان» نماز عشاء دانسته‌اند. نک: ماوردی: همان.

همان: ص ۲۷۸). ظاهراً معنای این دیدگاه این است که مسلمانان موظفند تا پیش از ثلث لیل نماز عشا را بخوانند، اما اگر این وظیفه را عصیان کردند نماز عشا تا نیمه شب قضا نمی‌گردد.

۵. «طلوع فجر ثانی»: برخی چنین گفته‌اند که وقت نماز عشا تا طلوع فجر ثانی امتداد دارد. این دیدگاه به مالک<sup>۵</sup> نسبت داده شده (ابن قاسم، همان: ص ۶۰)، همچنین این دیدگاه از ابن عباس نیز نقل شده (ابن منذر، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ص ۳۴۵) و طاوس، عطاء و عکرمه نیز قائل به آن بوده‌اند:

وَقَالَ عَطَاءٌ: لَا تُفَوِّتُ صَلَاةَ اللَّيْلِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ حَتَّى النَّهَارِ، وَقَالَ طَاوُسٌ وَعِكْرِمَةُ: وَقْتُ الْعِشَاءِ إِلَى الْفَجْرِ، قَالَ أَحَدُهُمَا: إِلَى الصُّبْحِ، وَقَالَ الْآخَرُ: إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ (ابن منذر، همان: ص ۳۴۵-۳۴۶).

#### د) استحباب تأخیر/تعمیل نماز عشاء

ظاهراً اختلافی در مؤکد بودن تعجیل نماز مغرب بین عامه وجود ندارد. اما درباره نماز عشا، دو دیدگاه وجود دارد:

۱. استحباب تأخیر نماز عشا تا ثلث لیل: این دیدگاه حنفیان است (طحاوی، ج ۱: ص ۱۹۵). ابوحنیفه از پیامبر ﷺ چنین روایت کرده که: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا عَجَلُوا الْمَغْرِبَ وَأَخْرُوا الْعِشَاءَ» (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ص ۱۴۴). همچنین یکی از دو قول شافعی (و شاید قول متأخر او) همین بوده است (ماوردی، ج ۲: ص ۶۵).
۲. استحباب تعجیل نماز عشا در اول وقت آن: این یکی از دیدگاه‌های شافعی و همچنین دیدگاه مالک است (طحاوی، همان);  
ماوردی، همان).

#### ه) کیفیت جمع نمازهای مغرب و عشاء

<sup>۵</sup> هر چند دیدگاه «ثلث لیل» نیز به مالک نسبت داده شده است (مالک، ج ۱: ص ۱۵۶) و ظاهراً دیدگاه مالکیه همین بوده است (قبروانی، ۱۹۹۹م، ج ۱: ص ۵۳).

درباره این که فی الجمله در مواردی، جمع بین نمازها جایز است اختلافی بین عامه وجود ندارد، هر چند در جزئیات و شرایط، اختلاف هست. شرایطی که تحت آن، بحث «جمع بین صلاتین» مطرح شده عبارتند از: جمع در عرفه و مزدلفه / جمع در سفر / جمع در خوف / جمع برای مریض / جمع در شرایط جوی بارانی / جمع در شرایط نیاز<sup>۶</sup> (ابن منذر، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ص ۴۱۴-۴۱۷).

اما درباره کیفیت جمع بین نماز مغرب و عشا در شرایط مذکور<sup>۷</sup> سه دیدگاه وجود دارد:

الف) مختار است که مغرب را در وقت عشاء بخواند، یا عشاء را در وقت مغرب بخواند. این دیدگاه شافعی، اسحاق بن راهویه و عطاء بن ابی رباح است (ابن منذر، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ص ۴۱۵).

ب) می تواند مغرب را تأخیر بیاندازد و در وقت عشاء بخواند. این قول از سعد بن ابی وقاص، ابن عمر و عکرمه نقل شده است. ظاهراً دیدگاه احمد بن حنبل نیز همین است (ابن منذر، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ص ۴۱۵).

ج) مغرب را در پایان وقت مغرب و عشا را در ابتدای وقت عشاء بخواند، نه این که یکی را در وقت دیگری به جای آورد (به جز در عرفه و مزدلفه). این دیدگاه اصحاب رأی است (ابن منذر، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ص ۴۱۶).

و الحمد لله، قم، ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۲

## منابع

۱. ابن قاسم، عبدالرحمن (بی تا). مجالس ابن القاسم التي سأل عنها مالكا. تحقیق: باحو، مصطفی.
۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق). المغنی. قاهره: مکتبه القاهره.
۳. ابن منذر، محمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الاوسط فی السنن و الإجماع و الاختلاف. ریاض: دار طیبه.
۴. ابن منذر، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۵ق)، الإشراف علی مذاهب العلماء. الإمارات: مکتبه المکة الثقافیة.
۵. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط. بیروت: دار المعرفة.
۶. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۱۰ق). الأم. بیروت: دار المعرفة.
۷. طحاوی، احمد (۱۴۱۷ق)، مختصر اختلاف العلماء. بیروت: دار البشائر الإسلامیة.

<sup>۶</sup> ظاهراً دیدگاه ابن سیرین این بوده که: «وقد روينا عن ابن سيرين أنه كان لا يرى بأساً أن يجمع بين الصلاتين إذا كانت حاجة، أو شيء مالم يتخذ عادة». همچنین عامه این مطلب را از ابن عباس نیز روایت کرده اند. نک: ابن منذر، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ص ۴۱۷.

<sup>۷</sup> غیر از جمع در عرفه و مزدلفه، که چه بسا محل اختلاف آنان نباشد.

٨. عبدالله، ابن احمد بن حنبل (١٤٠١ق)، مسائل احمد بن حنبل رواية ابنه عبدالله. بيروت: المكتب الاسلامى.
٩. قيروانى، محمد عبدالله (١٩٩٩م). النوادر و الزيادات على مافى المدونة من غيرها من الأمهات. بيروت: دار الغرب الاسلامى.
١٠. مالك، ابن انس (١٤١٥ق)، المدونة. بي جا: دار الكتب العلمية.
١١. ماوردى، على بن محمد (١٤١٩ق)، الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى و هو شرح مختصر المنزنى. بيروت: دار الكتب العلمية.